

مطالعه تطبیقی راهبردهای اصلاحی و درمانی، در مرحله اجرای مجازات زندان، در ایران و کانادا

دکتر شهرام ابراهیمی ✉

استادیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز

عبداله ایزدی

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

چکیده:

بررسی تفکرات راهبردی قانون‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی، در حوزه اصلاح و درمان مجرمین، به خصوص در مرحله اجرای مجازات زندان و میزان اهتمام به اجرایی نمودن آن؛ مسأله مهمی است که می‌تواند در قالب مطالعه تطبیقی، هدفمند بودن و برنامه‌مداری یک سیستم را نشان دهد. اگر در بحث اصلاح و درمان به سطح‌بندی راهبردها بپردازیم، به نظر می‌رسد که می‌بایست در کنار راهبردهای پایه‌ای و یا بسترساز، برخی از موارد موجود در مرحله اجرای کیفر را راهبردهای اجرایی دانست. در این مرحله، برگزاری دوره‌های اصلاحی درمانی، ارزیابی و سنجش کارایی، اولویت در اصلاح، تخییر در اصلاح و تخصصی نمودن امر اصلاح جلوه‌نمایی می‌کنند. توجه عمیق به کارکردهای عملی ساز و کارهای اصلاحی حاکم در مرحله اجرای مجازات زندان در ایران و کانادا بیانگر این مهم است که جز در خصوص راهبرد اول که اهتمام ایده‌آلی نسبت به آن در ایران و کانادا وجود دارد، در مورد سایر موارد، سیستم اصلاحی ایران برخلاف کانادا با کاستی‌هایی مواجه است. راهبردهای ارزیابی و سنجش کارایی و تخصصی نمودن امر اصلاح، راهبردهای کلانی می‌باشند که عدم توجه به آنها موجب تأثیر بر سایر راهبردها می‌گردد.

کلید واژه‌ها: اصلاح و درمان، سنجش کارایی، تفکرات راهبردی، تخییر در اصلاح، مجازات زندان.

۱۳۹۱/۸/۱۰

تاریخ دریافت:

۱۳۹۱/۱۲/۸

تاریخ پذیرش نهایی:

✉ پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

shahram.ebrahimi@gmail.com

اصلاح و بازپروری مجرمان از کارکردهای فایده‌گرایی مجازات است و ضروری است که مجازاتی مورد حکم قرار گیرد که در ضمن آن توان لازم برای اجرای برنامه‌های اصلاح و درمان وجود داشته باشد. در بررسی قلمرو برنامه‌های اصلاح و درمان مجرمان چنین به نظر می‌رسد که مجازات زندان تنها مجازاتی است که تاب لازم برای اعمال برنامه‌های اصلاح و درمان در مفهوم خاص را دارا می‌باشد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۶: ۲۴۱۲). یعنی اقامت زندانی در زندان باید به بازپروری وی منجر شود (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۱۵۲). در واقع دیگر مجازات‌ها از جمله «اعدام» به دلیل این که نتیجه آن مساوی با عدم وجود فرد است و «شلاق» یا «جریمه نقدی» به دلیل ماهیت خاص آنها نمی‌توانند موضوع برنامه‌های اصلاح و درمان قرار گیرند. هر چند دو مورد اخیر فی‌نفسه اصلاح‌کننده و دارای قابلیت تحلیل اصلاحی می‌باشند.

در روند گریز به سمت اصلاح و درمان، هیچ‌گاه، حتی در خصوص اجرای آن اتفاق نظر حاصل نشده و شیوه‌های بسیاری در این خصوص به اجرا درآمده است. به نحوی که در ابتدای امر اصلاح و درمان در محیط زندان صورت می‌پذیرفت لکن به مرور زمان، اصلاح در محیط زندان مردود شد و صحبت از اصلاح در قالب جایگزین‌های زندان همچون جریمه نقدی و خدمات اجتماعی به میان آمد (آنسل، ۱۳۷۵: ۹۶).

توجه به شیوه‌های اجرایی متفاوت اتخاذ شده در سایر کشورها که ناشی از تفاوت در سیاست‌ها و راهبردها می‌باشد و نتایج حاصل از اجرای آنها از اهمیت برخوردار است. هر چند تحقیق جامع و کاملی که به خصوص در حوزه داخلی و در سطح راهبردی صورت گرفته باشد موجود نیست و در اندک مقالات راهبرد مدار نیز رویکرد فقهی پررنگ‌تر از حقوق موضوعه می‌باشد (حاجی ده‌آبادی، ۱۳۸۸: ۸۶). پی بردن به نقاط ضعف و قوت در تحلیل راهبردی هر کشور، منوط به مقایسه آن سیستم با یکی از سیستم‌های اصلاحی دیگر در جهان می‌باشد. در این نوشتار سعی می‌شود تا راهبردهای اصلاحی را در مرحله اجرای مجازات استخراج نموده، و در دو سیستم ایران و کانادا مورد تحلیل قرار دهیم. آنگاه است که می‌توان از نقاط قوت دو سیستم بهره گرفت و مسیر اصلاح و درمان را به نحو مؤثرتری دنبال نمود.

با توجه به این که متولیان و کنشگران اصلاح و درمان دارای نقش تعیین‌کننده‌ای در بررسی و نتیجه‌گیری‌های تحلیلی می‌باشند، مبحث اول به این مقوله اختصاص می‌یابد. در مبحث دوم به معرفی اجمالی راهبردهای قابل تصور در مرحله زندان می‌پردازیم و مبحث

نهایی نیز بررسی و تحلیل تطبیقی راهبردهای معرفی شده در مبحث دوم را در خود جای خواهد داد.

۲. مبحث اول: نهادهای متولی و قوانین حاکم بر اصلاح و درمان زندانیان در ایران و کانادا
استخراج راهبردهای اصلاحی و درمانی در مرحله اجرای مجازات زندان نیازمند تحلیل قوانین و عملکرد کنشگران و متولیان این حوزه است. در واقع راهبردهای اصلاحی نشأت گرفته از قوانین بر پایه عملکرد و سیاست‌گذاری‌های متولیان و تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی در هر کشور است و از همین رو بیان مبحث پیش رو مورد نیاز است.

۱.۱.۲. ایران:

مهمترین سند قانونی که بر اهداف اصلاحی و درمانی زندانیان تأکید نموده، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. علاوه بر اصولی چندکه در خصوص حقوق زندانیان در این قانون وجود دارد، در بند (۵) اصل (۱۵۶)، اصلاح مجرمان را بر عهده قوه قضائیه نهاده است. به نظر می‌رسد که نویسندگان قانون اساسی با آگاهی از محورهای سیاست جنایی سازمان ملل که در عنوان کنگره‌های ۵ ساله آن آمده است، اصلاح مجرمان را در بند (۵) اصل (۱۵۶) قانون اساسی مفهومی راهبردی بخشیده‌اند (حمیدخانی، ۱۳۸۴: ۱۳).

قانون‌گذار ایرانی در دو سطح تقنینی و فرو تقنینی نیز در پرتو بند «ب» و «ه» ماده (۲) قانون تبدیل شورای سرپرستی زندان‌ها و اقدامات تأمینی به سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی مصوب (۱۳۶۴) و ماده (۱۳۲) قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۸۳)، اساسنامه انجمن‌های حمایت از زندانیان (۱۳۶۰)، بندهای «ب»، «ج» و «ه» ماده (۳) و بندهای «د»، «ه»، «و»، «ز»، «ط» و «ک» ماده (۱۶) اساسنامه بنگاه تعاون و حرفه‌آموزی و صنایع زندانیان (۱۳۶۳) در راستای اصلاح زندانیان پیش رفته است. بنابراین در شرایط کنونی بارزترین نهادی که در ایران متولی امر اصلاح و درمان زندانیان محسوب می‌گردد، سازمان زندان‌ها است که زیر نظر قوه قضائیه قرار دارد.

۲.۲. کانادا:

مسئولیت مربوط به اصلاح زندانیان در کانادا بین دولت فدرال و استان‌ها تقسیم شده است. اقدامات اصلاحی در سطح فدرال در ندامتگاه‌ها^۱ و در سطح استان‌ها در زندان^۲ قابل اعمال

1. penitentiary
2. jail

است. چنین رویه‌ای در قانون (۱۸۶۸) ندامتگاه‌ها مورد تصریح قرار گرفته است (Christian, 2006: 1).

از سال (۱۸۶۷) تا (۱۹۹۶)، دپارتمان عدالت، مسئول اجرای قوانین اصلاحی بود. در (۱۹۹۶) وزارت تعقیب و دادستانی تأسیس شد لکن در این سال دپارتمان عدالت همچنان مسئولیت خود در خصوص تعقیبات فدرال را حفظ نمود. قانون اصلاحات و آزادی مشروط که معروف به CCRA می‌باشد در سال (۱۹۹۲) میلادی تصویب و جایگزین قوانین ندامتگاه (۱۸۶۸) و عفو مشروط (۱۹۵۹) شد.

در شرایط فعلی نهاد^۱ CSC (سیستم اصلاحی کانادا) متولی اصلی اصلاح زندانیان در کانادا است که برنامه‌های متنوعی در خصوص کمک به زندانیان، جهت بازگشت موفقیت‌آمیز به جامعه تدوین و اجرا می‌نماید (4: wallbank, choudhry, herring, 2008). نهاد CSC در قانون CCRA مورد شناسایی قرار گرفته است و در جهت مسئولیت اصلاحی خود، کمیته‌های جزئی‌تر مانند RPD^۲ را تأسیس نموده است^۳. لکن آنچه در قیاس متولیان اصلاح و درمان بین ایران و کانادا قابل توجه است، امکان حضور برخی از نهادهای اجتماع محور در درون زندان کانادا است که به صورت مؤسسات غیردولتی مانند جان هوارد، الیزابت و... می‌باشد و در اجرای برنامه‌های اصلاحی دخالت مؤثر دارند؛ یا امکان حضور برخی از نهادهای مذهبی خارج از زندان همانند شورای کلیسایی اصلاح و عدالت^۴ است که از سال (۱۹۷۴) میلادی تأسیس شده‌اند (Christian, 2006: 65).

۳. مبحث دوم: معرفی راهبردهای موجود

به نظر می‌رسد که در بررسی سیستم اصلاحی ایران و کانادا حداقل بتوان پنج راهبرد اساسی را که در مرحله اجرای مجازات زندان مورد توسل قرار می‌گیرد به شرح ذیل معرفی و بیان نمود:

۱.۳. برگزاری دوره‌های اصلاحی درمانی:

اهمیت محیط زندان در جهت راهبرد برگزاری دوره‌های اصلاح و درمانی به گونه‌ای است که با صحبت از اصلاح و درمان مجرمان، در ابتدا نظرها به سمت محیط زندان جلب می‌گردد. حتی مطالعات صورت گرفته در خصوص کارایی برنامه‌های اصلاح و درمان نیز همه متمرکز

1. Correctional Service Canada

2. Reintegration Program Divisions

3. <http://www.csc.scc.gc.ca/text/prgrm/cor-pro-2009-eng.shtml>

4. the church council on justice and corrections

بر برنامه‌های مورد اجرا در این محیط بوده است. ذات و ماهیت راهبردها در این مرحله به گونه‌ای است که در معرض تماس مستقیم با مجرم اعمال می‌شود و هدف و نشانه راهبرد نیز تغییر در شخصیت خود مجرم است. در واقع در کنار راهبردهای ضمنی بسترساز، راهبردهایی اجرایی می‌توانند در رسیدن به هدف نهایی نقش بسیار مهمی داشته باشند.

راهبرد دوره‌های اصلاحی و درمانی، مهمترین راهبرد اجرایی در این مرحله است. در واقع از زمانی که بحث آثار مخرب زندان به میان آمد و اثرات منفی که هم بر خود زندانی، هم جامعه و هم خانواده فرد تحمیل می‌گردد به وجود آمد، تفکر اصلاح و درمان در زندان‌ها تقویت شد و دولت‌ها نیز که اثر اربعایی زندان را کم رنگ‌تر از گذشته احساس می‌نمودند چاره را در این دیدند که از فرصت زمانی موجود، که فرد در حبس می‌باشد، جهت برگزاری دوره‌های اصلاحی استفاده گردد (محمدبیگی، صفاکیش کاشانی، ۱۳۸۷: ۴۵).

در راستای راهبرد تدوین دوره‌های اصلاحی درمانی باید گفت که به طور معمول سه دسته کلی از این برنامه‌ها در محیط زندان اجرا می‌گردد. یک مجموعه، اتکا به بازپروری و بااجتماعی نمودن دارد و سعی می‌نماید تا ضمن اجرای این برنامه‌ها فرد را به حالت هنجارمند سوق دهد. برخی برنامه‌ها هدف رفع مانع را دنبال می‌کند به نحوی که در زمان خروج فرد از محیط زندان مانعی برای هنجارمند ماندن وی موجود نباشد. دسته سوم، برنامه‌های درمانی است که به سبک‌های مختلف در محیط زندان اجرا می‌گردند.

۲.۳. اولویت در اصلاح:

در راستای موفقیت در هر امری آنچه بیش از هر چیز، ضروری و الزامی است، اولویت‌بندی است. بی‌تردید امکانات موجود در هر کشوری به شکل تام نیست و تنها در یک آرمان‌شهر است که می‌توان صد درصد شرایط را فراهم شده پنداشت. از این رو، آنچه در راستای موفقیت در هدف اصلاح و درمان از اهمیت برخوردار است؛ اندیشیدن و تدوین سازوکارهایی است که به مطلوب‌ترین نحو ممکن از امکانات و شرایط موجود استفاده شود.

اولویت‌بندی می‌تواند در هر جهتی اعمال گردد. اولویت‌بندی در خصوص برنامه‌های قابل اعمال و همچنین مجرمان تحت برنامه از اهمیت برخوردار است. از موارد قابل بحث در این نوشتار در خصوص راهبرد اولویت‌بندی، توجه به سیستم دو کشور ایران و کانادا است که هر یک اولویت‌های اصلاحی خود را بر چه مبنایی پایه‌ریزی نموده‌اند. در یک بیان کلی می‌توان گفت که دانش جرم‌شناسی همواره دسته‌بندی مختلفی از مجرمان را به خود دیده است. شاید مناسب‌ترین دسته‌بندی که در راستای هدف اصلاح و درمانی قابل تحلیل باشد به نحو زیر صورت پذیرد:

۱.۲.۳. مجرمان حرفه‌ای:

این دسته از مجرمان دارای سوابق متعدد بوده و رفتار مجرمانه در آنها نهادینه شده‌است. جرم برای این افراد یک حرفه محسوب می‌شود. دانش جرم‌شناسی از این افراد به عنوان مجرم به عادت یاد می‌کند. افراد مذکور دچار نوعی دگرذیسی در مفاهیم و ارزش‌ها شده‌اند و عملاً معتقد به ارزشمندی جرم و جنایت هستند.

۲.۲.۳. بزهکاران:

هر چند یک فرد بزهکار دچار انحراف اجتماعی بزرگ است و گاه نیز مرتکب جرایمی همانند مجرمان حرفه‌ای می‌شود، لکن رفتار مجرمانه در او نهادینه نشده‌است در واقع بزهکار را می‌بایست قربانی انحرافات اجتماعی دانست. هر چند در مسیر اصلاحی این دسته از مجرمان این امکان وجود دارد که موفقیت در اصلاح آنها کم باشد لکن در این گروه تمایل به اصلاح وجود دارد.

۳.۲.۳. خطاکاران:

گستره وسیعی از جمعیت زندان را خطاکاران تشکیل می‌دهند. این افراد معمولاً به دلایلی نظیر ندانم‌کاری، نداشتن مهارت، ضعف دانش و اغفال، گرفتار زندان شده‌اند. در ارتباط با دوره‌های اصلاحی باید گفت که وظیفه مسئولان در خصوص این دسته از افراد بسیار سنگین‌تر از دو دسته قبل است. چرا که می‌بایست نیم‌نگاهی نیز به آسیب‌های زندان داشته، تدوین برنامه‌ها را بر مبنای نیاز آنها قرار دهند که اثر معکوس ایجاد ننماید.

۴.۲.۳. مجرمین ویژه:

این دسته از مجرمان را از این حیث مجرم ویژه می‌دانیم که در قالب هیچ یک از دسته‌های قبل نمی‌گنجند. چرا که از نظر ظاهر و رفتار شبیه خطاکاران هستند لکن از نظر جرم و انگیزه ارتکاب، شباهت تامی به مجرمان حرفه‌ای دارند. در واقع این افراد چون از هنجارهای اجتماعی غافل نشده‌اند شکل سنتی برنامه‌های اصلاحی در مورد آنها جواب‌گو نیست. چنین تفکیکی مبتنی بر دو رکن استعداد مجرمانه و قابلیت سازگارپذیری است به گونه‌ای که رکن اول ایستا و رکن دوم پویا و قابل اثر بر رکن اول است (نجفی ابراندآبادی، ۱۳۸۶: ۲۴۳۷).

۳.۳. راهبرد ارزیابی و سنجش کارایی:

ارزیابی و سنجش کارایی، راهبردی است که در مبحث اصلاح و درمان دارای مبنای عقلانی است. از نظر عقلی انجام کاری که مشخص است منجر به هدف از پیش تعیین شده نمی‌گردد لغو و بیهوده است. عدم وجود چنین راهبردی در حوزه اصلاح و درمان که اهمیت به سزایی در سیستم کیفی دارد، بیان‌کننده ضعف بارزی در آن سیستم است.

توسل به چنین راهبردی می‌تواند از دو جهت با اهمیت قلمداد شود:

۱.۳.۳. دستگاه متولی امر اصلاح و درمان در محیط زندان، تسلط خود را در زمانی در معنای واقعی می‌تواند اعمال کند که دست‌اندرکاران خویش را با شرایط فراهم شده سازگار بیاورد و مسیر را در رسیدن به هدف هموار بداند. در واقع توسل به این راهبرد باعث می‌گردد تا دستگاه متولی امر اصلاح و درمان بتواند با تحقیقات گسترده‌ای که در این خصوص صورت می‌گیرد، خط و مشی‌ها را به گونه‌ای رقم‌بزند که به هدف نهایی خود نائل گردد. چرا که در پرتو ارزیابی و سنجش کارایی است که می‌توان نقاط ضعف را در سیستم احساس نمود و برای آینده برنامه‌ریزی کرد و یا شکل اجرای برنامه‌ها را دچار تغییر و تحول نمود.

۲.۳.۳. اجرای بی‌بدیل و دقیق راهبرد ارزیابی و سنجش کارایی باعث ایجاد بعد نظارتی می‌گردد. از آن جا که یکی از عناصر مورد سنجش، کارکنان اجرایی سازمان زندان‌ها هستند، که دارای نقش حیاتی در اصلاح و درمانند، جهت شایسته جلوه دادن خود در مقابل مقامات ما فوق، سعی می‌نمایند تا به شکل کارآمدتری انجام وظیفه نمایند. اهمیت این مورد را می‌توان از سخنان امام علی (ع) پی برد که توصیه بر به کارگیری ناظران راستگو و وفادار نسبت به مدیران و عوامل اجرایی می‌نماید^۱.

می‌توان با قاطعیت بیان کرد که ضعف هر سیستم در اهتمام این راهبرد، تأثیرگذار بر سایر راهبردها می‌باشد، به نحوی که دو نتیجه را می‌توان از عدم توجه به این راهبرد به دست آورد:

۱: مسئولین امر در راستای هدف اصلاح و درمان اهمیت خاصی قائل نبوده و موضوع مذکور را در کنار سایر موضوعات به دلایلی واجد اولویت نمی‌دانند.

۲: مسئولین به دلیل آگاهی از ضعف‌های موجود و عدم توانایی در رسیدن به مطلوب، وجود چنین راهبردی را برای حفظ موقعیت، خطرناک دانسته و سعی می‌کنند تا با نوعی ظاهر فریبی سیستم را کارآمد جلوه دهند.

۱. نامه ۵۲ نهج البلاغه

اصلاح و تعدیل سایر راهبردها، حذف و یا اضافه نمودن راهبرد و همچنین تغییر سازوکارهای موجود، ریشه در راهبرد ارزیابی و سنجش کارایی دارد و شاید بتوان توسعه ارزیابی و سنجش کارایی را مؤثرترین راهبرد اصلاحی در مرحله اجرای کیفر زندان به شمار آورد. زمانی که نتایج حاصله از ارزیابی و سنجش کارایی بدون دخل و تصرف در اختیار عموم و حداقل کلیه متخصصان و صاحب نظران قرار گیرد می‌تواند از ارزش والاتر برخوردار گردد. در چنین فضایی است که می‌توان امیدوار به کارآمدی نظام متولی اصلاح و درمان در محیط زندان گردید.

۴.۳. راهبرد تخییر در اصلاح:

به اعتقاد نگارندگان، اصلاح واقعی اعم از اخلاقی یا اجتماعی جز با اراده و اختیار فرد حاصل نمی‌گردد؛ چرا که ذات موضوع اصلاح اراده محور است. قرآن این مسأله را به خوبی توصیف می‌کند:

«وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا (۷) فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا (۸) قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا (۹) وَ قَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا (۱۰)»^۱

تسویه را قرآن حالتی می‌داند که جنبه خوبی و بدی‌ها برای فرد یکسان باشد. در این حالت است که فرد بنا بر قوه اختیار و اراده مسیر زندگی را انتخاب می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۴۴). به طور کلی در انسان سه قوه عاقله، غضبیه و شهویه وجود دارد. قوه عاقله ابزار شناخت انسان در قضایای کلی است. قوه غضبیه موجب ابراز نفرت و خشم و قوه شهویه موجب بروز حالت محبت و رافت است. در ابتدای خلقت انسان تنها دو قوه غضبیه و شهویه را دارا است. لکن در حالت تسویه، قوه عاقله به مرور به خدمت انسان در می‌آید و از این زمان است که اراده را در خدمت عقل گرفته، با اختیار مسیر خود را انتخاب کند (موسوی خمینی، ۱۳۷۷: ۲۸۰).

حال اگر فرد در یک محیط اجبار قرار گیرد، قوه عاقله وی تحت فشار قرار گرفته و لذا دو قوه دیگر بر آن فائق می‌آیند و اراده او را در جهت منفی به کار می‌گیرند. در واقع در چنین مواقعی مجرمی که امکان اصلاح وی در قالب برنامه‌های اصلاحی وجود دارد با توجه به اجباری که بر وی وارد می‌شود نگرش منفی پیدا خواهد کرد و با یک جبهه‌گیری خاص تحت قدرت قوه غضبیه رفتار متعارضی با آنچه در برنامه‌های دوره اصلاحی آموخته است بروز می‌دهد.

۱. شمس. آیات ۷-۱۰

قائل شدن به جنبه اختیاری بودن و توسعه راهبرد مذکور، موجب می‌شود تا افراد مجرم در حالت تسویه با اتکای به قوه عاقله خود در مقام تمییز خوب از بد برآمده، انگیزه لازم جهت ورود به این دوره‌ها را پیدا نمایند. چنین رویکردی باعث می‌شود تا فرد مجرم، دوره‌های اصلاحی را نه ابزاری جهت مقابله با خود، بلکه راهکاری در راستای همکاری و مساعدت تشخیص داده، تصمیم به کمک به خود گیرد. مجرم زندانی می‌بایست درحالی قرار گیرد که احساس نماید با ارتکاب جرم بیش از هر کس در حق خویش ظلم نموده است و شرکت در برنامه‌های اصلاحی را راهکاری بیاید که تحت آن می‌خواهد به خودش کمک نماید تا از موقعیتی که در آن قرار گرفته است، بیرون آید.

اهمیت این مسأله به اندازه‌ای است که در بررسی علل شکست رویکرد اصلاح و درمان در دهه ۱۹۷۰ اجباری تلقی نمودن امر اصلاح، از مهمترین دلایل به حساب آمده و پذیرش ظاهری برنامه‌های اصلاحی از سوی زندانیان، تنها با قصد رهایی از دامان دستگاه قضا ارزیابی گردیده است (حاجی ده آبادی، ۱۳۸۶: ۵۲).

۵.۳. راهبرد تخصصی نمودن امر اصلاح :

اصلاح و درمان مجرمین علاوه بر این که می‌بایست مبتنی بر برنامه‌های تخصصی و متناسب با افراد تحت موضوع آن باشد، بایستی از سوی افرادی به اجرا درآید که شایستگی و توانایی انجام چنین مسئولیتی را دارند. در واقع اگر برنامه‌های اصلاحی و درمانی به بهترین شکل ممکن تدوین گردند لکن نیروهای اجرایی توانایی لازم برای انجام چنین اهدافی را نداشته باشند و نتوانند به نحو احسن آن سیاست‌ها را اجرایی نمایند، بی‌تردیدی هدف نهایی با بن بست رو به رو می‌گردد. «اگر ما در زندانهای خود نیروی انسانی متخصص، متعهد و کارآمد داشته باشیم که بتوانند به ارتقا سطح آگاهی و شناخت زندانیان هر چه بهتر و بیشتر کمک کنند، به همان نسبت از جهل، نادانی و گمراهی آنان را رها نموده‌ایم» (شمس، ۱۳۸۲: ۷۱).

اصلاح و درمان مجرمان شیوه‌های نانوشته‌ای دارد که جزء اساسی فرآیند آن می‌باشند. چنین شیوه و سازو کارایی در تجربه و تخصص افراد ظاهر می‌شود. در همین راستا در استرالیا بر طبق تحقیقاتی که صورت پذیرفته مشخص شده است که آن دسته از مجریانی که از آموزش‌های تخصصی برخوردار بوده‌اند از جهت بازپروری مجرمان موفق‌تر عمل نموده‌اند (فرجی‌ها، ۱۳۸۷: ۲۳).

در تفکیک شیوه‌های اصلاحی از درمانی شاید بتوان گفت که اهمیت به کارگیری نیروهای متخصص در دو شاخه، اساسی و حیاتی است. وجود جامعه‌شناسان و مددکاران از یک طرف و وجود روان‌شناسان و حتی پزشکان از سوی دیگر، در زمره سیستم اجرایی از

اهمیت برخوردار است. در راستای راهبرد تخصصی نمودن، صرف اشاره بر بکارگیری چنین نیروهایی در متون قانونی و آیین‌نامه‌ها کفایت نمی‌کند بلکه تنها در زمانی می‌تواند نقش راهبردی را به خود بگیرد که در عمل نیز مورد رعایت واقع شود.

نکتهٔ دیگر قابل بیان در این خصوص این است که منظور از تخصصی شدن صرفاً به کارگیری فارغ التحصیلان دانشگاهی در رشته‌های جامعه‌شناسی، مددکاری و روان‌شناسی نیست بلکه می‌بایست افرادی انتخاب و جذب شوند که علاوه بر داشتن مدرک دانشگاهی در رشته‌های مربوط، دارای سابقه عملی و کاری لازم بوده و توانایی و هنر خود را در موارد دیگر نشان داده باشند. چرا که صرف علم تئوری نمی‌تواند اثر راهبردی مطلوب را ایجاد نماید. بی‌تردید نشان دادن توانایی ضمن داشتن علم تئوری و رشته تحصیلی دانشگاهی در گرو وجود انگیزه لازم برای همکاری در این حوزه است.

محیط زندان و افراد زندانی، انسان‌های خاص و مجموعه‌ای ویژه هستند که روحیات خاص و ویژه‌ای را می‌طلبند. این امکان وجود دارد که برخی از افراد از نخبه‌های دانشگاهی قلمداد شده، در پهنه اجتماع نیز نیروی مؤثر و کارآمد در تحقیقات علمی و انجام فرا تحلیل‌های موجود باشند، لکن به دلایل خاص نتوانند نقش خود را در محیط زندان به نحو مطلوب ایفا کنند. لذا می‌بایست مسئولین امر سازوکاری را پیش‌بینی نمایند تا نیروهای اجرایی جهت ورود به این پست‌ها مورد مصاحبه‌های علمی قرار گیرند و بدون انجام هیچ گونه تبعیض و تنها بر مبنای لیاقت خود وارد این حوزه گردند. در چنین فضایی است که می‌توان امیدوار به پیشرفت بود و آینده‌ای روشن را برای سیستم اصلاح و درمان تصور نمود. بی‌شک نیروهای نخبه و با تجربه زمانی به خود اجازه ورود به این پست‌ها را می‌دهند و تصمیم به حضور در محیط زندان می‌گیرند که شرایط مهیا شده، روزه‌های امید را برای آنها ایجاد نماید. چنانچه نیرویی با داشتن کلیه شرایط، داوطلب ورود به این پست‌ها باشد لکن شرایط مالی یا همکاری برای وی فراهم نشود انگیزه خود را سرکوب نموده و ترجیح می‌دهد در محیطی دیگر که فشار روانی کمتری بر وی وارد آورد به کار مشغول شود. ایجاد محدودیت‌های غیرمتعارف برای این افراد و طرز رفتار و برخورد نامناسب با آنها بزرگترین چالش‌هایی هستند که مانع از حضور نیروهای کارآمد به این پست‌ها می‌گردند.

۴. مبحث سوم: جلوه‌های اصلاحی و درمانی

در این مبحث سعی می‌شود تا جلوه‌های منعکس در ایران و کانادا در کنار هم مورد اشاره قرار گیرند.

۱.۴. طبقه‌بندی و تفکیک زندانیان:

۱.۱.۴. ایران:

طبقه‌بندی و تفکیک زندانیان، سیاستی است که اصلاح و درمان مجرمین را تسهیل و کارایی برنامه‌های اجرا شده را افزایش می‌دهد. در خصوص طبقه‌بندی و تفکیک زندانیان موارد متعددی از آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب (۱۳۸۴) و همچنین آیین‌نامه نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان به این امر اختصاص یافته است.

۳۹

مطالعه تطبیقی راهبردهای اصلاحی و درمانی، در مرکز اجرای مجازات زندان، در ایران و کانادا

اولین جلوه تفکیکی که در این خصوص وجود دارد، اشاره مواد (۳) و (۴) آیین‌نامه سازمان زندان‌ها است که زندان و بازداشتگاه را از هم جدا نموده، محل نگهداری مجرمین محکوم شده و متهمین بازداشت شده را تفکیک نموده‌است. زندان را محل نگهداری محکومان با حکم قطعی دانسته که با معرفی و حکم مقام قضایی برای مدت معین یا دائم به هدف حرفه‌آموزی و بازپروری نگهداری می‌شوند. لکن بازداشتگاه را محلی دانسته که متهمان صرفاً تا اتخاذ تصمیم بر مبنای قرار کتبی مقام قضایی در آن نگهداری می‌گردند. تبصره (۱) ماده (۴) نیز بر تفکیک این دسته افراد تأکید نموده‌است. دومین جلوه تفکیکی نیز ماده (۵) باید دانست که زندان‌ها را به زندان بسته، مرکز حرفه‌آموزی و اشتغال و اردوگاه تقسیم نموده است.

آیین‌نامه نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان مصوب (۱۳۸۵) نیز مواد چندی را به این امر اختصاص داده است. این آیین‌نامه طبقه‌بندی و تفکیک را به جداسازی زندانیان، بازداشتگاهها و یا مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی کشور از حیث سن، نوع جرم و وضعیت سلامتی تعریف نموده است. همچنین حبس انفرادی جهت آن دسته از زندانیانی که به مشکلات انضباطی دچار می‌باشند پیش‌بینی گردیده است.^۱

۲.۱.۴. کانادا:

اهمیت طبقه‌بندی و تفکیک زندانیان در سیستم زندانبانی و اصلاحی کانادا نیز مورد توجه بوده است. در ابتدائی‌ترین تفکیک بایستی به سیستم زندان کانادا توجه نمود که دو نوع زندان را پیش‌بینی نموده است. زندانیان بالای دو سال حبس در ندامتگاه‌های فدرال تحت برنامه‌های اصلاحی خاص خود قرار می‌گیرد. زندانیانی نیز که به مجازات حبس کمتر از دو سال محکوم می‌شوند در زندان‌های استانی مورد نگهداری واقع می‌شوند. در کنار این دو

۱. ماده ۳ آیین‌نامه نحوه تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان مصوب ۱۳۸۵.

مورد، بایستی به کانون‌های تربیتی که ویژه افراد زیر ۱۸ سال می‌باشد نیز اشاره کرد که در برخی از استان‌های کانادا به شکل گسترده‌ای وجود دارد (Christian, 2006: 10).

تقسیم‌بندی دیگری که حاکی از اهمیت طبقه‌بندی و تفکیک زندانیان در سیستم حقوقی کانادا می‌باشد مبتنی بر تقسیم زندان‌های استانی و فدرال در ۴ سطح امنیتی، متوسط، باز و اجتماعی می‌باشد. از نکات قابل بیان در این سطح‌بندی می‌توان به امکان انتقال به سطح دیگر با توجه به نوع رفتار زندانی اشاره کرد. در مراکز با درجه امنیت متوسط از دو عامل پویا و ایستا در راستای حفظ امنیت استفاده می‌گردد. مواردی مانند دیوار و فنس از عوامل پویا و تعامل و نظارت کارکنان نسبت به مجرمان از عوامل پویای حفظ امنیت به شمار می‌روند. زندان‌های متوسط که بیشتر حجم برنامه‌های اصلاحی متوجه آن می‌باشد، برنامه‌های متنوعی از جمله نجاری، فلزکاری و لباس‌شویی مورد آموزش قرار می‌گیرد (Christian, 2006: 11).

در زندان‌های فدرال، زندانیان از حیث امنیتی به سه گروه تقسیم می‌شوند. دسته اول را که سطح حداکثری می‌دانند زندانیانی تشکیل می‌دهند که احتمال فرار نمودن آنها زیاد است. لذا نظارت و کنترل زیادی بر آنها وجود دارد. سطح متوسط و حداقلی نیز بر همین اساس می‌باشد و میزان کنترل بر این اساس انجام می‌گیرد. در این ارتباط به طور معمول محکومان به قتل عمد در سطح حداکثری نگهداری می‌گردند و افراد بدون سابقه نیز در سطح حداقلی می‌باشند. در بیشتر موارد زندانیان در سطح متوسط می‌باشند لکن امکان ورود به سطح حداقلی نیز برای آنها وجود دارد. از این جهت زندانیان به طور دائم تحت نظارت مسئولین زندان قرار می‌گیرند تا نشانه‌هایی که حاکی از شایستگی آنها برای انتقال می‌باشد نمایان گردد (caplan, 2003: 2).

۲.۴. ملاقات با زندانیان

۱.۲.۴. ایران:

ملاقات با زندانیان موضوعی است که که طی موارد (۱۸۷) الی (۱۹۷) آیین‌نامه اجرایی سازمان زندان‌ها مورد توجه قرار گرفته است. ملاقات در واقع حقی است برای زندانی و آشنایان وی که ماده (۱۸۰) به طور صریح بر آن تأکید نموده است. ملاقات با اقوام و آشنایان به صورت هفتگی امکان‌پذیر است، لکن چنانچه زندانی از خود حسن رفتار نشان دهد امکان ملاقات حضوری نیز فراهم می‌باشد. حتی در مواردی این امکان وجود دارد که ملاقات به صورت حضوری و بدون حضور مراقب و یا مامور انجام گیرد.

در راستای قاعده‌مند کردن سازوکار ملاقات، مسئولین هر زندان، موظفند برنامه ملاقات را برای هر زندانی با توجه به فصول سال تعیین نمایند. در این خصوص باید این نکته مورد

رعایت قرار گیرد که برای هر زندانی در هفته حداقل یک مرتبه برنامه ملاقات پیش‌بینی شده باشد و از طرفی نیز مدت زمان آن کمتر از ۲۰ دقیقه نباشد.

۲.۲.۴. کانادا:

در کانادا نیز طی ماده (۹۰) آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاحات و آزادی مشروط، چنین نهادی مورد شناسایی قرار گرفته است. در این ماده مقرر شده است که هر زندانی می‌بایست دارای فرصت معقولی جهت ملاقات با اشخاص دیگر باشد به گونه‌ای که هیچ مانع فیزیکی وجود نداشته باشد. مگر آن که رئیس زندان یا شخص منتخب از ناحیه وی بر اساس یک تصور معقول معتقد به وجود مانع باشد. در هنگام ملاقات تمامی اقدامات نظارتی انجام می‌گیرد و حتی از وسایل الکترونیکی و مکانیکی استفاده می‌گردد تا زمینه‌ای فراهم شود که با اهداف اصلاحی فرد در تعارض نباشد.

۳.۴. دوره‌های اصلاح و درمانی:

۱.۳.۴. اشتغال:

در این بند جنبه‌های اشتغال موجود در زندان‌های ایران و کانادا مطرح می‌گردد و سپس در بررسی راهبردی، نقش اصلاح مدار آن مورد بررسی قرار گیرد.

۱.۱.۳.۴. ایران:

آیین‌نامه سازمان زندان‌ها در راستای حرفه‌آموزی و اشتغال زندانیان موارد (۱۲۲) تا (۱۳۵) را به این مبحث اختصاص داده است. به موجب ماده (۱۲۲) یکی از اهداف این شاخه را توسعه برنامه‌های بازپرورانه دانسته است. محکومان و متهمان داوطلب پس از آزمایشات لازم و تشخیص استعداد، ذوق و تخصص آنها با کسب نظر شورای طبقه‌بندی و رعایت سایر مقررات در کارگاهی داخل زندان، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال یا مؤسسات صنعتی، کشاورزی و خدماتی خارج از زندان به کار گمارده می‌شوند.

۲.۱.۳.۴. کانادا:

توجه و اهتمام به اشتغال زندانیان در کانادا نیز همانند ایران از اهمیت برخوردار بوده است و به طور خاص نهادی تحت عنوان «کرکان»^۱ مورد شناسایی قرار گرفته است که متولی اجرای برنامه‌های اشتغال زندانیان در این کشور می‌باشد.

در آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاحات و آزادی مشروط، طی مواد (۱۰۵) تا (۱۰۸) مقررات مربوط به کرکان پیش‌بینی شده است. در این آیین‌نامه تأکید شده که شرکت افراد زندانی در برنامه‌های اشتغال باید قاعده‌مند باشد و حرفه مدنظر نیز با شخصیت فرد متناسب باشد. از طرفی نیز به انعقاد قرارداد میان کرکان و بنگاه‌های اقتصادی، جهت تولید کالا، خدمات، آموزش و استخدام مجرمان در این بنگاه‌ها اشاره شده است.

از آنجا که این نهاد نیازمند نظامی قاعده‌مند می‌باشد، ماده (۱۰۸) آیین‌نامه کمیته‌ای را تحت عنوان کمیته مشورتی کرکان پیش‌بینی نموده است که حداکثر از ۱۲ نفر تشکیل می‌گردد و اعضای آن از کلیه شاخه‌های اشتغال هم چون تجارت، صنعت و... تشکیل می‌شود. این کمیته وظیفه سامان بخشیدن به وظایف کرکان را عهده‌دار است. کرکان در واقع موجب کمک و اعانه در استقرار موفق مجرمان با فراهم نمودن آموزش مهارت‌های شغل گردیده و در ۳۶ مؤسسه اصلاحی در سراسر کانادا فعال می‌باشد. در پناه این نهاد مجرمان فرصت پیدا می‌کنند تا مهارت‌های ابتکاری همچون فلزکاری، نجاری و کشاورزی را بیاموزند. محصولات تولیدی تحت این نهاد در سراسر کانادا به فروش می‌رسد، به طوری که در سال (۲۰۰۴) میلادی سود ناشی از فروش محصولات کرکان نزدیک به ۵۰ میلیون برآورد شده است.^۱

علی‌رغم داوطلبانه بودن نهاد کرکان در کانادا لکن استقبال بسیار خوبی از ناحیه زندانیان صورت گرفته است به طوری که در تحقیقات صورت گرفته نشان داده شده است که لیست دراز مدتی از زندانیان انتظار شروع برنامه را می‌کشند. در سال ۲۰۰۹-۲۰۰۸، ۴۶۶۶ مرد و ۱۴۱ زن زندانی چیزی نزدیک به ۲/۸ میلیون ساعت را به اشتغال و حرفه‌آموزی گذاراندند؛ که نسبت به سال قبل ۰/۲ افزایش داشته است. در سال (۲۰۰۸) نزدیک به ۷۱ درصد کل زندانیان در دوره‌هایی که حداقل ۹۰ روز بود شرکت فعال داشتند و روند به گونه‌ای است که کرکان به سمت دوره‌های کوتاه مدت پیش رفته است (Sangent, 2009: 5).

در زندان‌های کانادا برنامه اشتغال به شکل ضابطه‌مند و در دوره‌های مختلف زندان به اشکال گوناگون اجرا می‌شود. به طور مثال مرحله‌ای از برنامه اشتغال که به «اشتغال پیش از آزادی»^۲ معروف است به طور خاص اهداف خود را در جهت فراهم آوردن شرایط استخدام فرد زندانی در زمان خروج متمرکز نموده است. جمعیت هدف در این برنامه نیز بیشتر جوانان زندانی می‌باشند.

1. <http://www.csc.scc.gc.ca/text/prgrm/corcan/pblct/nesp-eng.shtml>.
2. pre-release employment program

۲.۳.۴. برنامه‌های بازپرورانه:

۱.۲.۳.۴. ایران:

فصل چهارم آیین‌نامه سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی، موارد چندی را به بحث آموزش زندانیان اختصاص داده است. آموزش‌های مذکور می‌تواند در ابعاد تحصیلی، دینی، فرهنگی و... باشد. در تبصره ماده (۱۳۷) بر اجباری بودن شرکت افراد زندانی در کلاس‌های سوادآموزی نسبت به افراد زیر ۶۰ سال تأکید شده است.

موارد (۱۴۸) و (۱۴۹) نیز بر رعایت آموزش‌های دینی و انجام فعالیت‌های مذهبی در زندان تأکید نموده است. ورزش در زندان نیز از موارد مورد تأکید در آیین‌نامه است که در ماده (۱۵۱) ضمن پیش‌بینی امکانات ورزشی مورد نیاز و حتی مربیان ورزش در سطح زندان، اجرای برنامه‌های ورزش صبحگاهی برای محکومان قادر به انجام ورزش، اجباری تلقی شده است. همچنین بر اساس آیین‌نامه اجرایی کانون اصلاح و تربیت برنامه‌های بازپرورانه خاصی برای افراد بزهکار زیر ۱۸ سال تعیین شده و در این راستا بر اساس ماده ۲ آیین‌نامه مرحله‌ای به نام اصلاح مورد شناسایی قرار گرفته است.

۲.۲.۳.۴. کانادا:

در کانادا آموزش سوادآموزی زندانیان همانند ایران در زندان‌های آن کشور به اجرا در می‌آید. نهاد سیستم اصلاحی کانادا با عنایت به پایین بودن سطح آموزشی زندانیان این برنامه را به طور گسترده اجرا می‌کند. در واقع فقدان آموزش از فاکتورهای اساسی جهت درگیر شدن افراد در فعالیت‌های مجرمانه محسوب می‌شود.

آموزش تحصیلی زندانیان قبل از هر چیز منوط به انجام ارزیابی و مشخص نمودن میزان دانش و استعداد آنها است. تحقیقات در کانادا نشان داده است که ۸۲ درصد از مجرمان دارای سطح سوادی زیر دبیرستان بوده‌اند. تقریباً ۳۷ درصد نیز در حد ابتدائی بوده‌اند (Anonymous, 1999: 9).

از موارد مورد بحث در خصوص آموزش زندانیان توجه به این نکته است که اغلب زندانیان دارای پیشینه شکست خورده‌ای در مدرسه بوده‌اند و این موجب تقویت این فرضیه شده است که آنها در این عرصه موفق نمی‌شوند. لذا برنامه‌های آموزشی محیط زندان در کانادا با این اولویت است که ابتدا حس اعتماد به نفس در آنها زنده شود و آن گاه وارد دوره‌های آموزشی شوند. بنابراین قبل از اعمال برنامه‌های آموزشی، دوره‌ای کلی با استفاده از کارشناسان روانشناسی برگزار می‌گردد.

در کانادا چندین برنامه با موضوعیت بازپروری اجرا می‌گردد که عبارتند از:

۳.۳.۴. برنامه فشرده اصلاحی^۱:

این برنامه به طور اساسی و پایه‌ای آموزش‌های نظامی را برای جوانان مجرم به اجرا در می‌آورد. در کنار این آموزش‌ها نیز برنامه‌های مهارت زندگی، آموزش شغلی و توسعه مهارت‌های فکری نیز رنگ عمل به خود می‌گیرد. این برنامه به طور خاص جوانان را مورد هدف قرار می‌دهد و به طور قابل توجهی در عدم تکرار جرم مؤثر می‌باشد. دوره‌ای که این برنامه اجرا می‌شود حداقل شش هفته است. نتایج نشان داده است که حتی در یک دوره دو ساله آمار تکرار جرم به شدت کاهش یافته است و این نشان از موفقیت برنامه HIT بر مجرمان موضوع آن دارد (Griffiths, Murdoch, Dandurand, 2007: 17).

۱.۳.۳.۴. برنامه اصلاحی آموزش نظامی^۲:

این برنامه نیز سازوکاری شبیه برنامه قبل دارد لکن در خصوص مجرمان نظامی اعمال می‌شود. این برنامه در واقع تلاش خود را بر کمک به این افراد از طریق آموزش‌های رفتاری و مدیریت شغل قرار می‌دهد (Griffiths, Murdoch, Dandunard, 2007: 18).

۲.۳.۳.۴. برنامه تغییرات روحی روانی^۳:

این برنامه‌ها با ماهیت مذهبی در زندان‌های کانادا به اجرا در می‌آید. برنامه Innerchange وابسته به آموزش‌های کتاب مقدس می‌باشد و رهنمودهای موجود در آن را منعکس می‌کند. این برنامه تقریباً بین ۱۶ تا ۲۴ ماه اجرا می‌شود و در یک دوره ۶ تا ۱۲ ماهه بعد از آزادی نیز ادامه می‌یابد (Griffiths, Murdoch, Dandunard, 2007: 19).

۳.۳.۴. برنامه‌های درمانی:

برنامه‌های در محیط زندان به دو شکل روان درمانی و درمان جسمانی انجام می‌گیرد. در این بند در دو قالب مجزا بین ایران و کانادا هر یک از این دو بیان خواهند شد.

۱.۳.۳.۴. ایران:

در آیین سازمان زندان‌ها در خصوص توسل به روان درمانی چند ماده اشاراتی را بیان داشته‌اند. ماده (۶۴) این آیین‌نامه از جمله مواردی که می‌بایست در بدو ورود زندانی به آن توجه شود را مباحث روانشناسی و روان پزشکی دانسته است. لکن صحبت از اجرای دقیق

1. high intensity treatment
2. military corrective training
3. innerchange

برنامه‌های درمانی در محیط زندان نشده است. در فصل نخست از از بخش چهارم این آیین‌نامه نیز طی مواد (۲۴۲-۲۳۷) به طور مختصر به بحث روان‌درمانی اشاره گردیده است.

در این ارتباط مددکاران اجتماعی موظف شده‌اند تا به طور مکرر و منظم در تماس با زندانی قرار گرفته و با جلب اعتماد وی مشکلات معنوی او را بر طرف نمایند. ماده (۲۴۲) نیز مسئولان واحد بازپروری را موظف به داشتن تماس منظم با زندانی دانسته است تا با تعلیم مبانی عقیدتی مذهبی و تبلیغ صحیح نسبت به تهذیب و تزکیه نفس و تحکیم مبانی اخلاقی در حل مشکلات روحی، تسکین درونی و ایجاد امید به زندگی در جهت حل مسائل روانی فرد اقدام نمایند.

۴۵

مطالعه تطبیقی راهبردهای اصلاحی و درمانی، در مرحله اجرای مجازت زندان، در ایران و کانادا

علی‌رغم عدم وجود متون قانونی در خصوص برنامه‌های روان‌درمانی در محیط زندان، این اعتقاد وجود دارد که در عمل در برخی از زندان‌ها به طور پراکنده و نامتمرکز برنامه‌هایی در دو قالب انفرادی و گروهی اجرا می‌گردد. روان‌درمانی انفرادی شامل روان‌کاوی، رفتار درمانی، هیپنودرمانی و روان‌درمانی حمایتی می‌باشد و روان‌درمانی گروهی نیز شامل گروه درمانی و سایکودرام می‌باشد. روان‌کاوی روشی است که طی آن درمانگر سعی می‌نماید با پیدا نمودن عوامل پنهانی و ناخودآگاه مددجو و تجزیه و تحلیل آنها، اختلال‌های رفتاری و شخصیتی بیمار را پیدا کرده و به بیمار در شناسایی آن کمک نماید تا قادر به سازگاری و ادامه زندگی آرام و متعادل باشد. می‌توان گفت که هدف از روان‌کاوی ایجاد تغییرات پایدار در افراد می‌باشد.

در خصوص درمان جسمانی نیز در زمان کنونی به این مسأله در آیین‌نامه سازمان زندان‌ها اشاره خاص صورت نگرفته است و شیوه خاصی مدنظر نمی‌باشد و تنها در ماده (۱۲) این آیین‌نامه است که در تقسیم‌بندی زندانیان، اردوگاه ویژه افراد زندانی معتاد دانسته شده است. لکن این که چه برنامه‌ای در این مکان به اجرا در می‌آید مشخص نمی‌باشد.

۲.۳.۳.۴. کانادا:

قانون اصلاحات و آزادی مشروط طی مواد (۸۵) تا (۸۸) درمان در محیط زندان را به شکل بسیار منسجمی مورد توجه قرار داده است. در ماده (۸۵) هم بر درمان‌های روانی نظیر اختلالات فکری - ادراکی و هم بر درمان‌های جسمانی تأکید شده است. رعایت استانداردهای مربوط به درمان مجرمان از جمله وظایفی است که بر عهده خدمات اصلاحی کانادا قرار داده شده است.

در بند (الف) از قسمت اول ماده (۸۸) به جنبه داوطلبانه بودن شرکت در درمان اشاره شده و تصریح گردیده است که «جز در موارد خاص نبایستی درمان مجرمان به صورت اجباری انجام گیرد، بلکه مجرم بایستی داوطلبانه وارد این برنامه شود». در بند (ب) نیز آمده است که «مجرم می‌تواند از درمان امتناع نماید یا در هر زمان که بخواهد از ادامه دادن درمان کناره‌گیری نماید». البته باید توجه داشت که جدای از این که زندانی در انتخاب ورود به درمان مختار است، لکن سازوکارهایی وجود دارد که فرد به این سمت کشانده شود. به عنوان مثال برخورداری از آزادی موقت، آزادی کار محور و... در گرو حضور در این برنامه‌های درمانی می‌باشد.

مبحث روان درمانی در سیستم اصلاحی کانادا از اهمیت برخوردار می‌باشد. به گونه‌ای که حتی در مرحله قبل از آموزش زندانیان، مشکلات مربوط به نگرش و اعتقادات مجرم مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. به همین منظور ابتدا با استدلال‌ات منطقی و گاه حتی خارج از کلاس به صورت فردی سعی می‌گردد تا به مجرمان فهمانده شود که علت شکست و روی آوردن آنها به تبهکاری ناشی از چه دلیلی بوده است (west, 1994: 93).

برنامه‌های مهارت شناختی، از جمله مهمترین برنامه‌های روان درمانی است که در زندان‌های کانادا اجرایی می‌گردد. این برنامه مبتنی بر این فرضیه است که برنامه‌های اصلاحی مبتنی بر تغییرات رفتار جنایی است و لذا بایستی با تغییر در آن به هدف مطلوب که اصلاح است نائل آمد. مطالعات نشان داده‌اند که مجرمان دچار یک حالت تکانشی می‌باشند. حالتی که در هنگام جرم فکر نمی‌کنند و در یک لحظه مرتکب جرم می‌شوند و از جهتی نیز دچار فقدان خود کنترلی^۱ هستند (Fabiano, Rabinson, 1999: 123).

برنامه‌های درمان جسمانی در زندان‌های کانادا متمرکز بر مجرمان جنسی و معتادان است. مجرمان جنسی موجب تزیق احساس ترس و نگرانی در شهروندان می‌شوند و از این نظر توجه به درمان آنها از اهمیت برخوردار است. متأسفانه در ایران برخلاف کانادا بیش از آن که به درمان این مجرمان توجه گردد، رسانه‌های عمومی سعی می‌کنند تا انگیزه‌ها و جوانب موضوع را به شکل گسترده پوشش داده و منتشر نمایند.

در خصوص مجرمان جنسی به طور خاص در زمانی که یکی از این دسته مجرمان وارد زندان می‌شوند، روان‌شناسان و جرم‌شناسان متخصص، وی را مورد شناسایی قرار داده و بهترین برنامه درمانی را برای وی معین می‌کنند. در این خصوص تجارب زندگی فرد و تصور باطنی او محاسبه و تخمین زده می‌شود. این برنامه‌ها در تمامی دوران ادامه یافته تا این که

1. self-control

فرد آزاد گردد و حتی در زمان آزادی نیز دواور مجرم تحت نظر می‌باشد (Anonymous, 2002: 30). تحقیقات نشان داده است که درمان مجرمان جنسی باعث ایجاد تفاوت در نرخ تکرار جرم میان آن دسته از مجرمان تحت برنامه و بقیه شده است. به طوری که مجرمان خارج از برنامه به احتمال ۱۷ درصد و مجرم فعال در برنامه به احتمال ۱۰ درصد جرم را تکرار نموده‌اند (Hanson, Brougon, Helmus, Hodgson, 2009: 23).

معتادان به مواد مخدر دسته دوم از زندانیانی هستند که تحت برنامه‌های درمانی قرار می‌گیرند در زمینه درمان معتادان در زندان‌های کانادا سه رویکرد مهم دنبال می‌گردد:

۱: از این که به هر طریقی مواد مخدر به داخل زندان رسانده شود به شدت جلوگیری می‌شود. در این راستا تمامی ملاقات‌کننده‌ها تحت بازرسی قرار می‌گیرند.

۲: به زندانیان جهت ترک اعتیاد کمک‌های مالی و معنوی و روانی می‌شود.

۳: بسیاری از بیماری‌های مرتبط با اعتیاد نیز با دید حمایتی مورد درمان قرار می‌گیرند^۱.

در خصوص مجرمین معتاد زن برنامه تحت عنوان "WOSAP"^۲ به اجرا در می‌آید. سازوکار حاکم بر این برنامه به این گونه است که به محض ورود به زندان آغاز می‌گردد و تا انتهای حضور فرد در زندان ادامه می‌یابد. در اجرای برنامه سعی می‌شود تا شخصیت انسانی زندانی لحاظ گردد به طوری که هیچ گاه احساس مجرم بودن به وی دست ندهد بلکه همانند یک بیمار خود را در معرض درمان قرار دهد. جالب این است که تحقیقات صورت گرفته حاکی از مشارکت ایده‌آل زنان زندانی در این برنامه می‌باشد و نتایج خوبی نیز از جهت تأثیر برنامه وجود داشته است (Dandurand Griffiths, Danielle, 2007: 36).

برنامه‌ای دیگر نیز تحت عنوان "ISU"^۳ نیز وجود دارد که در مورد مردان معتاد اجرا می‌گردد. مهمترین ویژگی این برنامه این است که در یک محیط کاملاً نظارتی انجام می‌شود و پرسنل مورد استفاده در این برنامه تیز کاملاً تخصصی و آموزش دیده هستند. از مهمترین ماموریت‌های این برنامه جلوگیری از ورود مواد مخدر به زندان و کاهش وجود این ماده در زندان است. چنین مطلوبی با جستجو در آزمایشگاه‌های اعتیاد صورت می‌پذیرد. در این ارتباط محیط مشخصی از زندان که به نام "ISU" (همان نام برنامه) می‌باشد برای انجام ماموریت این برنامه در خصوص زندانیان داوطلب به کار گرفته می‌شود (Anonymous, 1998: 39).

1. <http://www.hc.sc.gc.ca/hppb/alcohol-otherdrugs>
2. women offender substance abuse programming
3. intensive support units

۴.۳.۴. تنبیهات انضباطی:

از دیدگاه نگارنده یکی دیگر از جلوه‌هایی که می‌تواند در بعد اصلاح زندانیان مورد نظر باشد، تنبیهات انضباطی در محیط زندان است. در این گفتار ابتدا سازوکار حاکم بر تنبیهات انضباطی در ایران و سپس کانادا مورد بحث قرار می‌گیرد.

۱.۴.۳.۴. ایران:

آیین‌نامه سازمان زندان‌ها مصوب (۱۳۸۴) در فصل پنجم موارد چندی را طی مواد (۱۶۷) تا (۱۷۹) به این بحث اختصاص داده است. به همین منظور شورای با عنوان «شورای انضباطی» با ترکیب زیر پیش‌بینی شده است که در خصوص تعیین تنبیهات تشکیل می‌گردد: مسئولان واحد قضایی، بازپروری، حفاظت اطلاعات، رئیس اندرزگاه مربوطه و یک مددکار به انتخاب رئیس زندان. آرای صادره توسط شورا با دستور رئیس زندان یا جانشین وی اجرا می‌شود و صورت جلسه حاکی از ذکر نوع تنبیه و اجرای آن نیز ضمن تنظیم در پرونده محکوم بایگانی می‌گردد. چنانچه عمل فرد واجد وصف جزایی یا حقوقی باشد مراتب به قاضی ناظر زندان به منظور اتخاذ تصمیم گزارش می‌گردد.

۲.۴.۳.۴. کانادا:

قواعد حاکم بر سیستم انضباطی^۱ زندان کانادا هم در قانون اصلاحات و آزادی مشروط و هم در آیین‌نامه اجرایی آن مورد تصریح واقع شده است. ماده (۳۸) قانون مذکور با شناسایی سیستم انضباطی هدف از وجود چنین سیستمی را فراهم آوردن موجبات تحول در رفتار زندانیان دانسته است به گونه‌ای که منجر به بازپروری و باز اجتماعی نمودن موفق آنها گردد.

آیین‌نامه اجرایی قانون مذکور نیز مواد چندی را به این بحث اختصاص داده است. وفق ماده (۲۷) آیین‌نامه تخلفات انضباطی کوچک توسط رئیس زندان یا یکیار کارکنان زندان که منتخب وی است رسیدگی می‌گردد. تخلفات انضباطی شدید نیز به وسیله فردی مستقل از زندان رسیدگی می‌گردد. مگر در مواردی که رئیس مستقل در دسترس نباشد که در این صورت مانند تخلفات کوچک برخورد می‌شود.

1. disciplinary system

ماده (۳۴) آیین‌نامه ملاک‌های مدنظر در تعیین تنبیه انضباطی مد نظر قرار داده است و در ماده (۳۵) به این مهم اشاره شده است که ضمانت اجراهای فوق نایستی در زمان‌هایی اجرایی گردد که با برنامه‌های اصلاح و درمانی برخورد نماید.

۵. مبحث چهارم: تحلیل تطبیقی راهبردها

راهبردهای اصلاح و درمانی مجرمین در مرحله اجرای مجازات زندان علاوه بر موارد معرفی شده، موارد دیگری را نیز شامل می‌گردد که در ضمن این مبحث مورد بررسی قرار می‌گیرند. آیین‌نامه سازمان زندان‌ها، سیاست‌هایی را در خصوص تفکیک و طبقه‌بندی زندانیان در پی گرفته است. این آیین‌نامه در ضمن این که محل جداگانه‌ای را در زندان برای نگهداری متهمان پیش‌بینی نموده است در اقدامی اصلاح مدار حبس‌های کوتاه مدت کمتر از ۶ ماه را نیز قابل تحمل در بازداشت گاه یا محل جداگانه‌ای از زندان دانسته است. این تفکر تهیه‌کنندگان آیین‌نامه را از دو جهت می‌توان تحلیل نمود:

از جنبه اول تصمیم‌گیرندگان سیاست جنایی در تهیه آیین‌نامه مذکور با علم به این که مجرمان با دوره حبس کوتاه مدت نمی‌توانند موضوع اصلی برنامه‌های اصلاحی واقع گردند و دوره موفق‌تری را در این خصوص داشته باشند، تصمیم به نگهداری این افراد در خارج از محیط زندان گرفته‌اند. ضمن این که به این نکته نیز توجه شده است که با این سیاست مانعی را جهت تماس زندانیان حرفه‌ای و اتفاقی به وجود آورده تا آموزش ارتکاب جرم و دیگر مشکلاتی که در این ارتباط می‌تواند حاصل شود و بعضاً نیز منجر به از بین رفتن زمینه‌های اصلاح و بازپروری و یا حداقل سخت شدن فرآیند شود، از میان برداشته شود.

وجه دوم قضیه را بایستی در محلی جستجو کرد که فرد محکوم به زندان کمتر از ۶ ماه در آن وارد می‌شود. این همان نقطه‌ای است که به اعتقاد نگارنده هیچ‌گاه تهیه‌کنندگان آیین‌نامه به آثار آن فکر ننموده‌اند. بی‌تردید بسیاری از افرادی که تحت عنوان متهم وارد بازداشتگاه می‌شوند با تبرئه و اثبات بی‌گناهی به خارج سیستم کیفری هدایت می‌شوند. حال هر چند این اعتقاد وجود داشته باشد که مجرمین حبس‌های کوتاه مدت از نظر میزان درجه خطرناکی در حد پایینی قرار دارند و گاهی مجرم اتفاقی نیز می‌باشند لکن در همان درصد احتمال کم نیز بایستی ریسک نمود و از مداخله و ارتباط تنگاتنگ میان محکومان و متهمان جلوگیری کرد. بنابراین می‌توان وجود تبصره (۱) ماده (۴) را هر چند با هدف اصلاحی، لکن در تضاد با اصلاح و بازپروری صحیح دانست.

رویکرد اصلاحی در مواد (۵)، (۶)، (۷) و (۸) آیین‌نامه که ناظر به طبقه‌بندی و تفکیک زندانیان است کاملاً مشهود می‌باشد. به گونه‌ای که با مدنظر قرار دادن معیارهایی تدابیری

اندیشیده می‌شود که زمینه اصلاح زندانی فراهم گردد. اما تبصره ماده (۷) محل تأمل است. وفق این تبصره "سازمان می‌تواند برنامه‌های حرفه‌آموزی و آموزش و اصلاح را در مورد متهمان نیز اجرا کند". به نظر می‌رسد که تهیه‌کنندگان آیین‌نامه سازمان زندان‌ها مفهوم برنامه‌های اصلاحی را به خوبی درک نکردند و لذا بر اجرای آنها در مورد متهمان که معمولاً مدت کوتاهی را در بازداشت می‌باشند مقرر نموده‌اند. مسأله جالب‌تر این است که تهیه‌کنندگان آیین‌نامه فراموش نموده‌اند که متهم، مجرم نمی‌باشد و اگر در نهایت تبرئه شود؛ چه دلیلی وجود دارد که بخواهیم کسی را که بهنجار است اصلاح نماییم. این موارد در قیاس با سیستم اصلاحی کانادا که به طور دقیق بر طول دوره‌های اصلاحی تأکید داشته و در مواردی بر کوتاه بودن این مدت نیز توجه شده است، حکایت از پیشرفته بودن راهبردی سیستم اصلاحی در آن کشور دارد.

همچنین نگارنده معتقد است که روحی از اجبار به اصلاح در این تبصره وجود دارد. در واقع افراد متهم که خود اعتقاد به غیر مجرم بودن خود دارند چگونه امکان دارد که بخواهند به شرکت در برنامه‌های اصلاحی سر بسپارند؟ بنابراین بی‌تردید در عمق تفکرات تهیه‌کنندگان رگه‌هایی از اعتقاد به اجبار در اصلاح دیده می‌شود. اعتقادی که برخلاف راهبردهای اصلاحی و درمان می‌باشد.

آیین‌نامه نحوه تفکیک به نحو دقیق‌تری موضوع طبقه‌بندی در راستای اصلاح و درمان را مد نظر قرار داده است. لکن ایرادی که به این آیین‌نامه وارد می‌باشد، نوع تقسیم‌بندی بیان شده می‌باشد. چرا که به عنوان مثال قراردادان محکومین مالی موضوع ماده (۲) قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی که در بسیاری از موارد مجرم بالذات نمی‌باشند در کنار مجرمین به زنا و لواط از یک سو و محکومین به ارتشا و کلاهبرداری از سوی دیگر، در تضاد با اهداف اصلاحی می‌باشد. به نظر می‌رسد که در مقایسه راهبردی سیستم اصلاحی ایران و کانادا در حوزه طبقه‌بندی زندانیان، سیستم اصلاحی ایران بدون تأمل و بر مبنای ظاهرسازی حرکت نموده است و می‌توان گفت که راهی غیر مشخص را پیش گرفته است. به عنوان مثال ماده (۶۳) در شناسایی و طبقه‌بندی زندانیان یک فرجه زمانی دو ماهه را پیش‌بینی کرده است اما از طرفی دیگر روی برنامه‌های اصلاحی را به متهمان که مدت بسیار کوتاهی را در بازداشت می‌مانند نیز منعکس دانسته است. لکن پیش‌بینی ضوابط هوشمند حاکم بر طبقه‌بندی در کانادا و توجه به راهبرد اختیار به اصلاح و اولویت در اصلاح، جلوه خاصی را به این سازوکار بخشیده است.

طبقه‌بندی و تفکیک در سیستم کانادا از همان تفکیک زندان آغاز می‌شود و سه نوع از زندان‌های فدرال، استانی و کانون تربیت معرفی گردیده است. تفکیک میان زندان‌ها از حیث

امنیتی به ۴ درجه و اعمال بیشتر برنامه‌های اصلاحی در زندان‌های باز و متوسط، نشان از توجه ویژه به راهبرد اوایت در اصلاح در این سیستم است. این سیستم ایجاد انگیزش به اصلاح را به جای اجبار به اصلاح برگزیده است به طوری که امکان انتقال از سطوح مختلف زندان به سطح متوسط که حجم بیشتری از برنامه‌های اصلاحی در آن اعمال می‌شود وجود دارد. پیش‌بینی معیارهای حاکم بر طبقه‌بندی زندانیان نشان‌دهنده وجود تفکرات اصلاحی در این مواد است. معیارهایی چون میزان پیشرفت و تحول شخصیت فرد زندانی یا رفتار و عملکرد زندانی در زمان اجرای مجازات مؤید این مطلب می‌باشد.

ملاقات با زندانیان در آیین‌نامه سازمان زندان‌ها از دو نوع خارج نمی‌باشد. یک مورد ملاقات با اقوام و دوستان و دیگری ملاقات با وکیل می‌باشد. به نظر می‌رسد تنها در نوع اول است که می‌توان ملاقات را دارای جنبه بازپرورانه دانست. در این سازوکار افراد زندانی با دیدن آشنایان و اقوام خود خصوصاً همسر و فرزندان، روحیه و انگیزه لازم را جهت بازگشت به اجتماع پیدا می‌کنند و از آن جا که بازگشت آنها منوط به طی نمودن برنامه‌های اصلاحی می‌باشد، لذا مشارکت فعالی در برنامه‌های اصلاحی از خود نشان می‌دهند.

مهمترین جنبه‌ای از ملاقات که در راستای اهداف اصلاحی قابل بررسی است ارتباط با محیط خارج از زندان است. از مهمترین مشکلاتی که برای افراد زندانی (خصوصاً در زندانهای طولانی مدت) پیش می‌آید، این است که افراد در زمان آزادی با محیطی رو به رو می‌شوند که از نظر شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تغییر نموده است. این موجب می‌گردد تا فرد احساس غربت نماید و به طور خودکار به سمت انزوا کشیده شود. لکن سازوکار ملاقات طوری است که فرد با دیدن آشنایان در جریان تغییرات محیط بیرون از زندان قرار گرفته و با حفظ ارتباط با آنها در زمان آزادی به نحو اساسی‌تری می‌تواند تداوم و استمرار ارتباطات اجتماعی خویش را حفظ نماید و فرآیند بازاجتماعی شدن را دنبال کند. موضع آیین‌نامه سازمان زندان‌ها در قبال دوره یک هفتگی برای ملاقات قابل تقدیر است چرا که موجبی است جهت فراهم نمودن ارتباطات مستمر میان زندانی، دوستان و اقوام وی که زمینه بازپروری و بازاجتماعی شدن او را فراهم می‌آورد.

سازوکار ملاقات در سیستم اصلاح و درمان کانادا به نحو گسترده‌تری و از زاویه دیگری مد نظر قرار گرفته است. ملاقات در کانادا نه صرف انجام یک دیدار با اقوام، دیدن ظاهری آنها و انجام گفتگوی با آنها بلکه روشی جهت فراهم کردن امکان بروز احساسات و عواطف از جانب فرد زندانی است. بی‌تردید افراد در زندان تحت فشارهای روانی بسیاری هستند که موجب ایجاد عقده‌های روانی برای آنها می‌شود. این افراد بسیار علاقه‌مند هستند تا بتوانند در یک محیط آرام با کسانی که آنها را همدم خود می‌دانند در میان بگذارند. سیستم

اصلاحی کانادا برخلاف سیستم ایران، اصل را بر این گذاشته است که ملاقات میان زندانی و اقوام با وجود مانع فیزیکی نباشد و تنها در یک حالت استثنا است که با تشخیص رئیس زندان در جهت حفظ امنیت می‌توان از ملاقات فیزیکی جلوگیری نمود. این نوع از ملاقات در سیستم اصلاحی کانادا به اندازه‌ای از اهمیت برخوردار است که توسل به ایجاد مانع فیزیکی را حتی منوط به عدم وجود جایگزین یا محدود کننده دیگری دانسته است. این نکته نیز قابل ذکر است که انجام ملاقات از پشت شیشه به وسیله تلفن که در ایران مورد استفاده است، هدف متعالی این سازوکار در راستای اصلاح و بازپروری را تحت شعاع قرار می‌دهد.

در رویکرد اخیر زندان‌های ایران سعی شده است تا سازوکار ملاقات به نحو مؤثرتری مدنظر قرار گیرد و لذا اتاق‌های ویژه ملاقات متأهلین تأسیس گردیده است. لکن این مسأله نیز هنوز نتوانسته است اثرات مورد انتظار از سازوکار ملاقات در جهت اصلاح را برآورده نماید. چرا که از سویی نگرش منفی مسئولین در این خصوص مانع از اجرایی شدن کامل آن گردیده است و تنها در برخی از زندان‌ها به کار گرفته می‌شود و از سوی دیگر نیز محدود به زندانیان متأهل شده است و این در حالی می‌باشد که سایر زندانیان نیز نیازمند ملاقات خصوصی می‌باشند تا در یک فضای آرام با خانواده همدردی نمایند.

در کنار ملاقات، مرخصی نیز سازوکار دیگری است که می‌تواند اثرات اصلاحی به دنبال داشته باشد و حتی از حیث چگونگی تأثیر نیز شبیه به ملاقات می‌باشد. بهره‌گیری از این نهاد متأسفانه در عمل رنگ اصلاحی خود را از دست داده است و بخشنامه‌های ریاست محترم قوه قضائیه نیز نتوانسته است هدفهای اصلاحی را به نحو جامع تأمین نماید. پیش‌بینی شرایط و محدودیت‌های خاص در این خصوص، استثنا کردن جرایم خاص و منوط نمودن این سازوکار به گذراندن حداقلی از مدت هدف‌های اصلاحی را تحت تأثیر قرار داده است.

دوره‌های بازپروری و اصلاحی به طور مستقیم اصلاح و درمان را هدف قرار می‌دهد. اصلاح و درمان فاکتورهایی دارد که با رسیدن به این فاکتورها می‌توانیم صحبت از تحقق آن نماییم. بنابراین در بررسی راهبردی می‌بایست فاکتورهایی که هر یک از این دوره‌ها دنبال می‌کنند را مورد تحلیل و تطبیق قرار داد. اشتغال به کار افراد زندانی یک نوع بهداشت روانی است که اولین اثر آن تقویت روح کار کردن در نهاد شخص و اجتناب از تنبلی و بیکاری است. مددجویان در محیط کار و اشتغال به سهولت می‌توانند فرآیند بازپروری را طی نمایند چرا که از این طریق اثرات حرفه‌آموزی و اشتغال بر عملکرد روانی، عاطفی و اقتصادی مددجو تأثیر می‌گذارد و او را جهت انواع اقدامات اصلاحی و تربیتی آماده می‌کند. از آن جا

که این فرد اوقات خود را با کار سپری می‌نماید کمتر با تخیلات و افکار مخرب سروکار داشته، در نتیجه از لحاظ روحی روانی به تعادل نسبی می‌رسد. از طرفی بر اثر اشتغال، در فرد زندانی حس مفید بودن برای جامعه ایجاد می‌گردد (ولیدی، ۱۳۷۵، ۱۵۶).

توجه و عنایت به این سازوکار در دو سیستم اصلاحی نشان دهنده این است که هر دو سیستم اهتمام شایسته‌ای را برای این راهبرد قائل شده‌اند و سعی شده‌است تا مقررات جامع و متناسبی پیش‌بینی گردد. آنچه در بررسی راهبردی سازوکار اشتغال و حرفه‌آموزی در کانادا برجسته و نمایان می‌باشد دو مطلب است. یک مورد توجه به راهبرد سنجش و کارایی می‌باشد. در کشور کانادا تحقیقات و فراتحلیل‌های بسیاری در حوزه اشتغال به طور اخص و اصلاح انجام گرفته است و برنامه‌های اشتغال و حرفه‌آموزی مورد تحلیل آماری واقع شده است.

در پناه همین تحقیقات بوده‌است که می‌توان نکته دوم را پیدا نمود که جهت برنامه‌های اشتغال و حرفه‌آموزی کانادا به سمت محیط خارج از زندان می‌باشد. در واقع هر چند ابتدائاً کار زندانی در کانادا چندان از اهمیت برخوردار نبوده است لکن در سال ۱۹۶۶ بازرس کل در ارزیابی عملکرد برنامه‌های زندانیان بیان نمود که یک خلاء اساسی در نتیجه‌دهی وجود دارد و آن برگزاری برنامه‌های آموزش به طور تام در زندان است. این تحقیق بیان نمود که چنین خلای موجب شده است تا زندانیان در هنگام خروج با مشکل رو به رو گردند. در این سال خدمات اصلاحی کانادا (CSC) برنامه‌های متعددی را که مبتنی بر اجتماع بود تعریف و تدوین نمود و در همین راستا نیز بعدها نهاد کرکان شکل گرفت (Anonymous, 2002: 7).

اشتغال و حرفه‌آموزی در سیستم فعلی ایران در عمل چندان مورد اقبال واقع نشده است و بیشتر سعی شده تا در چند زندان بزرگ کشور پیاده‌سازی گردد. سنجش کارایی در این حوزه هیچ‌گاه مدنظر نبوده و هیچ تحلیل آماری نیز صورت نگرفته است و تنها در برخی مواقع دست اندرکاران مربوط آماری را که پروراندۀ ذهن آنهاست بدون هیچ مستند علمی در سخنرانی و گزارشات خود بیان می‌کنند. این در حالی است که نویسندگان حقوقی بر وجود رابطه معنادار و مثبت، بین آموزش‌های حرفه‌ای و شغلی و کاهش تکرار جرم تأکید دارند (غلامی، ۱۳۸۷: ۲۷۱). وجود واحد حفاظت اطلاعات در زندان‌های کشور به مثابه سدی محکم در مقابل انجام تحقیقات با سنجش کارایی می‌باشد. جالب‌تر این است که در هر زندان چندین واحد حفاظت اطلاعات وجود دارد که به قول معروف هفت‌خان رستم می‌بایست طی گردد و نهایتاً نیز به بهانه سرّی بودن آمار و اطلاعات مربوط به اشتغال، ادامه فعالیت بی‌نتیجه می‌ماند.

راهبرد اختیار به شرکت در برنامه اصلاحی در قابل سازوکار حرفه آموزی و اشتغال در سیستم اصلاحی هر دو کشور نهفته است که این مهم در کانادا مورد مطالعه آماری قرار گرفته است و نتایج نیز نشان از استقبال زندانیان به این مهم دارد. امید است در ایران در حوزه عمل نیز راهبرد مذکور حداقل در اشتغال و حرفه آموزی مورد اهتمام باشد.

اصلاح و بازپروری قاعده مند و گام به گام که ذیل عنوان راهبرد اولویت بندی در اصلاح قابل بررسی است در سازوکار اشتغال و حرفه آموزی در کانادا مشاهده می گردد. برنامه های اشتغال نه در یک مقطع بلکه در چند مرحله اجرا می شود که به عنوان مثال برنامه اشتغال پیش از آزادی که در مبحث قبل بیان شد معرف چنین مهمی می باشد.

اجرای برنامه های خاص آموزشی متناسب با استعداد زندانیان، شخصیت و توانایی آنها در کانادا، استفاده از کارشناسان روانشناسی قبل از برگزاری دوره های آموزشی و استفاده از برنامه هایی که مختص یک صنف خاص از زندانیان است با تأکید بر نیازهای این دسته از افراد، راهبرد تخصصی شدن برنامه ها و اولویت در اصلاح را به نحو احسن تقویت و روشن می نماید.

سیستم اصلاحی کانادا چند دسته از زندانیان را مستحق توجه ویژه در اجرای برنامه های بازپرورانه قرار داده است. زنان بارزترین دسته در این ارتباط اند. زنان در ارتکاب جرم مشکلاتی نظیر اعتماد به نفس پایین، بیسوادی و مشکلات سکنی و... را دارا بوده اند. این اعتقاد وجود دارد که مجرمان ارتکاب جرم را به عنوان یک انتخاب از میان تمامی انتخاب های دیگر پذیرفته اند. بنابراین تلاش سیستم اصلاحی کانادا در مورد این دسته از مجرمان این بوده است تا با کمک شهروندان انتخاب های دیگر را تقویت نماید (Fortin, 2004: 5).

توجه خاص به صنف زنان در کانادا به طور اتفاقی نبوده بلکه تحت راهبرد ارزیابی و سنجش کارایی چنین رویکردی مورد توسل قرار گرفته است. از آن جا که در سال (۱۹۳۴) میلادی در زندان کینگستون و انتاریو که ویژه زنان زندانی بود، نتایج ارزیابی حاکی از وضعیت نه چندان مطلوب برنامه های اصلاحی بود لذا توجهات خاص به این حوزه منعطف شد به طوری که ضمن انحلال زندان کینگستون در سال (۲۰۰۱) بودجه مربوط به برنامه های اصلاحی زنان افزایش^۱ یافت و سپس نیز برنامه های با محوریت خاص این صنف مد نظر قرار گرفت (Anonymus, 2003: 4). در ایران نیز هر چند در خرداد (۱۳۸۹)

۱. هر چند زنان تنها ۵ درصد جمعیت زندان های کانادا را تشکیل می دهند، لکن مبلغی بالغ بر ۵۷ میلیون دلار در سال ۲۰۰۱ در مورد آن ها هزینه شد که نزدیک به ۱۳ میلیون دلار آن فقط در خصوص برنامه های اصلاح مدار صرف هزینه گشت.

زمزمه‌هایی از اجرای طرح آزمایشی "اصلاح و رفتار زندانیان زن" شنیده می‌شد و حتی بیان می‌شد که طرح مذکور که از سوی انجمن حمایت از زندانیان پیشنهاد شده است قرار است اجرایی گردد، لکن هنوز به تصویب نرسیده و تنها در یک مقطع در زندان اوین اجرا شده است.

زندانیان بومی دومین دسته‌ای هستند که به طور خاص تحت برنامه‌های بازپرورانه واقع می‌گردند. این دسته از زندانیان دارای فرهنگ خاص خود بوده و لذا سازوکارهای خاصی برای آنها پیش‌بینی شده است. برای مثال برنامه‌ای تحت عنوان "بومیان متحد و جامعه دورگه"^۲ یا مرکز NCSA که در (۱۹۷۰) تأسیس شده است یا مراکز اجتماعی آموزش زندانیان در راستای این سیاست می‌باشد. هدف این مراکز ایجاد تسهیلات لازم برای مجرمان بومی است تا بتوانند در فعالیتهای اجتماعی شرکت نمایند. اعتقاد حاکم بر این سازوکار نیز این می‌باشد که تنها راه خروج از فرآیند جرم آموزش می‌باشد که بایستی متناسب با فرهنگ صورت گیرد و موانع فرهنگی آن برداشته شود.

در حوزه برنامه‌های بازپرورانه در آیین‌نامه سازمان زندان‌ها، سازوکار ارزیابی و سنجش کارایی طی مواد (۳۹) و (۱۵۸) مورد شناسایی قرار گرفته است لکن نگارنده تنها زمانی اطلاق عنوان راهبرد را به جا می‌داند که علاوه بر متون در عمل نیز بتوان نشانه‌هایی از آن را پیدا کرد. هر چند سازوکار ارزیابی در ماده (۳۹) به شکل ایده‌آلی پیش‌بینی شده است اما این اطمینان وجود دارد که تا زمان کنونی هیچ‌گاه مجالی برای ارزیابی حاصل نشده چرا که هیچ شاخصی به این منظور طراحی و معرفی نگردیده است. این خود نشانه‌ای است بر عقیده نگارنده مبنی بر این که در زمان کنونی بیشتر به سمت ظاهرسازی در راهبردمحوری و نه راهبردگرایی در عمل پیش می‌رویم.

در بحث از آموزش سوادآموزی زندانیان، فاکتورهای خاص مد نظر بوده است که راهبرد اجرای دوره‌های اصلاحی را به نحو مطلوب در سیستم اصلاحی ایران نشان می‌دهد. خوشبختانه این رویکرد در عمل نیز وجود دارد و باعث می‌شود تا باز اجتماعی شدن

۱. طرح اصلاح رفتار زندانیان زن قرار است در ۵ مرحله اجرایی گردد:

مرحله اول این طرح شامل سلامت جسمانی زندانی است که به انجام فعالیتهای ورزشی و بدنسازی پرداخته می‌شود. در مرحله دوم زن زندانی زیر نظر پزشک معالج چکاپ کامل جسمانی می‌شود تا از نظر عوارض و بیماری‌های خونی و خاص زنان دچار مشکل نباشد. مرحله سوم به مشاوره و آموزش مهارت‌های زندگی اختصاص دارد. در مرحله چهارم زن زندانی با معارف دینی و اسلامی آشنا و در مرحله آخر حرفه‌آموزی و اشتغال مد نظر می‌باشد.

2. Allied Indian and metis society

زندانیان در مرحله بعد از زندان به نحو بهتری انجام گیرد. در واقع یکی از موانعی که همواره در بدو ورود افراد به جامعه وجود دارد این است که افراد فکر می‌کنند مدت زمان زیادی را در محیط زندان به بطالت سپری نموده و حال از بقیه عقب افتاده‌اند و لذا روحیه ادامه زندگی در این اجتماع را ندارند و با ناامیدی هر چه تمام‌تر وارد اجتماع می‌گردند. وجود امکاناتی مانند سوادآموزی در زندان و ادامه تحصیل حتی در سطح دانشگاه که هم اکنون به عنوان دانشجوی پیام نور نیز امکان پذیر شده است^۱. از مهمترین دستاوردهای اصلاحی است که مد نظر تهیه‌کنندگان آیین‌نامه بوده است.

برنامه‌های درمانی، اهداف و فاکتورهای متعددی از جمله ارتقا سطح آگاهی زندانیان، کاهش ارتکاب مجدد بزه، بهبود وضعیت جسمانی زندانی و رفع نقایص و دلایل محرک انجام بزه را دنبال می‌کنند. برنامه‌های درمانی مورد اجرا در سیستم اصلاح و درمان ایران متمرکز بر بحث روان درمانی می‌باشد و توجه و اهتمام کافی به درمان جسمانی مورد اقبال نبوده است.

موادی از آیین‌نامه وجود دارد که تخصص‌گرایی در برنامه‌های درمانی در ایران را تایید می‌نماید. مانند ماده (۳۵) یا تبصره (۳) آن یا ماده (۳۸) که بر استفاده از روانشناسان متخصص، مددکاران اجتماعی و حقوقدانان مسلط تأکید دارد نشان از این مهم دارد. باز در این جا نیز محل تأمل است که در عمل تا چه اندازه به این مواد اهمیت داده می‌شود.

در راستای راهبرد اولویت‌بندی و تخصصی نمودن، زنان زندانی در انتخاب برنامه‌های روان درمانی به طور خاص در سیستم اصلاحی کانادا مورد توجه قرار گرفته‌اند. راهبرد اختیاری بودن شرکت در برنامه درمانی نیز به نحو مطلوبی در بند (الف) از قسمت اول ماده (۸۸) قانون اصلاحات و آزادی مشروط پیش‌بینی شده است. در این ماده تصریح گشته که جز در موارد خاص نایستی درمان مجرم به صورت اجباری صورت گیرد.

در بحث درمان جسمانی نیز همانند روان درمانی، راهبرد تخصص‌گرایی و اولویت‌بندی مد نظر بوده است و مجرمین معتاد و جنسی به طور خاص در تیر رس برنامه‌های درمان جسمانی در کانادا قرار گرفته‌اند. در خصوص این دو دسته برنامه‌های ویژه‌ای طراحی شده است که تحقیقات صورت گرفته نیز حکایت از کارایی مطلوب آنها دارد. از ویژگی‌های حاکم بر درمان جسمانی خصوصاً در مورد مجرمان معتاد، اعمال نظارت شدید و اجرای دوره درمان به صورت مستمر می‌باشد که باعث موفقیت در این امر شده است.

1. http://www.tehranprisons.ir/index.php?Module=SMMNewsAgency&SMMOp=View&SMM_CMD=&PageId=2795

سازوکار تنبیه انضباطی که هم در زندان‌های ایران و هم کانادا مد نظر بوده است در راستای اصلاح مجرمان قابل تحلیل می‌باشد. تنبیه در لغت به معنی پیدا کردن، واقف شدن بر چیزی و هشیار کردن آمده است. تنبیه در کنار تشویق دوعنصری بوده‌اند که انبیاء الهی نیز به عنوان معلمان بریت در راه تربیت انسان‌ها از آنان بهره برده‌اند (شمس، ۱۳۸۲: ۱۰۲). راهبرد نظارت و تمرین بارزترین راهبردی است که در این جا مدنظر می‌باشد. فرد زندانی بایستی از همین محیط زندان بیاموزد که به شیوه صحیح زندگی نماید و در رعایت هنجارها دقت نماید. در واقع اگر زندانی نتواند در یک دوره معین که تحت نظارت شدید است هنجارهای محیط زندان را رعایت نماید، هیچ گاه نمی‌تواند هنجارهای اجتماع را که با نظارت بسیار محدودتری با آنها روبه‌رو می‌شود رعایت نماید.

نحوه برخورد با هنجارشکنی در زندان نیز بایستی به گونه‌ای باشد که در اجتماع انتظار می‌رود چنین برخوردی صورت گیرد. در واقع می‌بایست شرایطی که بر جامعه از این حیث فراهم می‌باشد در زندان برقرار گردد. سیستم اصلاحی کانادا ضمن توجه به راهبرد تمرین درست زیستن که مشترک میان هر دو سیستم ایران و آن کشور می‌باشد، توجه خاصی به موضوع حل و فصل غیر رسمی تخلفات انضباطی داشته است به گونه‌ای که در ماده (۴۱) قانون اصلاحات و آزادی مشروط مقرر داشته است «اگر مسئول زندان معتقد باشد که زندانی مرتکب جرم انضباطی شده است بایستی با یک گام مستدل و منطقی مسأله را به صورت غیر رسمی حل نماید.»

زندان انفرادی که هم در سیستم اصلاحی ایران و کانادا به عنوان یکی از ضمانت‌اجراهای تخلفات انضباطی مد نظر قرار گرفته است از این نظر که آثار اصلاحی را به همراه دارد در این مبحث مورد بحث قرار می‌گیرد. طول دوره زندان انفرادی در دو کشور به طور گسترده‌ای متفاوت است به گونه‌ای که در کانادا حداکثر ۲ ماه و در ایران ۶ ماه مد نظر قرار گرفته است. اما مهمترین نکته در مقایسه راهبردی بین دو کشور این است که سیستم اصلاحی کانادا برخلاف ایران زندان را به عنوان یک جامعه کوچک نگریسته است و حتی در درون این جامعه کوچک نیز سعی نموده است تا اصلاح قاعده‌مند را اجرایی نماید. به همین دلیل از طرفی سعی شده است تا سلامت و بی‌خطری در این جامعه کوچک مهیا شود و از طرف دیگر فرد مورد اصلاح قرار گیرد و باز اجتماعی شدن را از همین محیط زندان آغاز نماید. این سیستم در جهت این که فرد را از آثار منفی همچون منزوی شدن در امان بدارد تأکید نموده است تا در اسرع وقت فرد به اجتماع زندانیان عودت داده شود. لکن در طول دوران به طور مرتب فرد تحت نظارت و سرکشی قرار می‌گیرد و حتی برنامه‌های اصلاحی در

خصوص وی تعطیل نمی‌گردد و به تناسب در همین دوران نیز در مورد وی به اجرا درمی‌آید.

۶. نتیجه‌گیری:

زندانی محیطی است که می‌تواند هم در راستای اصلاح و هم ناهنجارسازی شخصیت مجرم تأثیرگذار باشد. از همین رو توجه خاص به راهبردهای اصلاح و درمانی قابل اجرا در این محیط از اهمیت برخوردار است.

نهاد CSC که متولی اصلی اصلاح و درمان در سیستم اصلاحی کانادا می‌باشد دارای نقش راهبرد مداری است. جامعه‌مدار بودن برنامه‌های اصلاحی که ناشی از حضور نهادهای بعضاً خصوصی در محیط زندان است نیز جایگاه خاصی را در فرآیند اصلاح و درمان ایجاد کرده است. این در حالی است که قوه قضائیه که وفق قانون اساسی متولی اصلاح و درمان مجرمین در ایران است، با توجه به جنبه‌های عملی موجود و سایر قوانین حاکم نقش کم‌رنگی را در سیاست‌گذاری راهبردی در حوزه اصلاح و درمان بازی می‌کند.

عنایت به راهبردهای اجرایی فعلی در سیستم حقوقی ایران نشان دهنده عدم وجود تفکرات راهبردی در اجرای سازوکارهای اصلاحی محیط زندان است. در حالی که سیستم اصلاحی کانادا با توجه به تجارب آموزنده‌ای که از سال‌های بسیار اندوخته است برنامه‌ریزی‌های دقیق و هدف‌مندی را تدوین و اجرا نموده است.

برخلاف سیستم اصلاحی ایران که متأسفانه جایگاه خاصی را برای راهبرد ارزیابی و سنجش کارایی قائل نیست، در سیستم کانادا علاوه بر این که این راهبرد به صورت جدی مدنظر بوده است، نتایج حاصله نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. لذا به نظر می‌رسد در راستای بهبود وضعیت راهبرد مداری در سیستم اصلاحی ایران قبل از هر چیز باید راهبردهای کلان بسترساز مانند سنجش کارایی و تخصص‌گرایی مدنظر قرار گیرند. آن‌گاه است که می‌توان با اعمال بی‌نقص راهبردهای اجرایی همچون دوره‌های اصلاح محور، اولویت در اصلاح و تخییر در اصلاح، فرآیند مفیدتری را ارائه کرد.

بحث درمان زندانیان در سیستم اصلاحی کانادا به شکل منسجم و ضابطه‌مندتری نسبت به ایران مورد توجه قرار گرفته است. به گونه‌ای که توجه به روان‌درمانی هم سطح با درمان جسمانی بوده و ماده (۸۵) قانون اصلاحات و آزادی‌های مشروط هر دو را در یک ماده بیان کرده است. در بعد روان‌درمانی نیز مبتنی بر مشاوره و افزایش مهارت شناختی اجتماعی می‌باشد.

در کنار چنین رویه‌ای نکته دیگر که از اهمیت برخوردار است، هم راستاسازی سازوکارهای اصلاح محور به سوی راهبردهای تدوین شده است. در واقع، مشکل عمده دیگری که در بررسی راهبردی وجود دارد قوانین متعارض حاکم بر سازوکارها است به گونه‌ای که در برخی موارد، نهادی که با هدف اولیه کمک به فرآیند اصلاحی تدوین شده است، روندی را طی می‌نماید که سایر راهبردهای اصلاحی را با مشکل روبه‌رو می‌نماید بنابراین شایسته است در این خصوص با تفکر عمیق‌تری قانون‌گذاری گردد.

۷. منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

۱. ابراهیمی، شهرام (۱۳۹۱)، بازپروری عادلانه مجرمان، دوفصلنامه آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۳.
۲. آنسل، مارک (۱۳۷۵)، **دفاع اجتماعی**، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
۳. حاجی ده آبادی، محمد علی (۱۳۸۸)، «اصلاح مجرمان در سیاست جنایی تقنینی ایران»، **فصلنامه حقوق**، شماره ۳، صص ۱۰۴-۸۳.
۴. حاجی ده آبادی، محمد علی (۱۳۸۶)، **اصلاح و درمان مجرمان در سیاست جنایی اسلام و مقررات ایران**، رساله دکتری، دانشگاه تهران.
۵. حمید خانی، مجید (۱۳۸۴)، **اصلاح و تربیت بزهکاران در حقوق کیفری ایران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۶. شمس، علی (۱۳۸۲)، **حقوق زندانیان**، چاپ دوم، تهران: راه تربیت.
۷. شمس، علی (۱۳۸۲)، **رویکردی جدید به نظام زندانبانی - بازگشت سعادت‌مندان**، چاپ اول، راه تربیت.
۸. غلامی، حسین (۱۳۸۷)، **تکرار جرم**، چاپ دوم، تهران: میزان.
۹. فرجیها، محمد (۱۳۸۷)، «چالش‌های ارزیابی کیفرهای اجتماع محور»، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۶۴، صص ۳۲-۱۳.
۱۰. محمد بیگی، کبری و صفاکیش کاشانی، سمیه (۱۳۸۷)، «زندان و آسیب‌های ناشی از مجازات زندان»، **مجله اصلاح و تربیت**، شماره ۳۷، صص ۳۰-۲۶.
۱۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، **تفسیر نمونه**، جلد ۲۷، تهران: دارالکتب اسلامی.
۱۲. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۷۷)، **شرح حدیث جنود عقل و جهل**، چاپ چهارم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

۱۳. نجفی ابرند آبادی، علی حسین (۱۳۸۶)، **تقریرات درس جرم‌شناسی**، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۴. نجفی ابرند آبادی، علی حسین و حمید هاشم بیکی (۱۳۹۰)، **دانشنامه جرم‌شناسی**، چاپ دوم، نشر گنج دانش.
۱۵. ولیدی، محمد صالح (۱۳۷۶)، «پیامدهای حرفه‌آموزی و اشتغال به کار زندانیان»، **مجله دیدگاه‌های حقوقی قضایی**، شماره ۸، صص ۱۶۷-۱۵۰.

ب. خارجی:

1. Anonymous (2003), **Reintegration of Women Offenders**, Report of the Auditor General of Canada to the House of Commons. Ottawa, Office of the Auditor General of Canada.
2. Anonymous (2002), **Inmate Education**, Alberta, John Howard Society of Alberta.
3. Anonymous (1998), **Canada Drug Strategy**, Ottawa, the Office of Alcohol Drugs and Dependency Issues.
4. Anonymous (1999), **the Justice Fact Finder**, Ottawa, Canadian Centre for Justice Statics.
5. Caplan A (1993), **the Role of Recreational Sports in the Federal Prison System"**, Thesis for the degree of Arts in Sociology, Acadia University.
6. Christian J (2006), **Corrections and Conditional Release in Canada, an Overview**, British Columbia, International Centre for Criminal Law Reform.
7. Fabiano PF & Rabinson D (1999), **Focusing on Successful Reintegration, Cognitive Skills Training for Offenders**, Ontario, the Correctional Service Canada.
8. Fortin D (2004), **Program Strategy for Women Offenders**, Toronto, Manager Programs for Women Offender.
9. Griffiths CT & Murdoch D & Dandurand Y (2007), **the Social Reintegration of Offenders and Crime Prevention**, Toronto, public Safety Canada.
10. Hanson RK & Brougon G & Helmus L & Hodgson S (2009), **A Meta Analysis of the Effectiveness of Treatment for Sexual Offender, Risk-need and Responsivity**, Public Safety of Canada.
11. Sagent J (2009), **Corcan Annual Report**, Manitoba, Canadian Release at work.
12. Wallbank J, Choudhry S & Herring J (2008), **Correctional and Conditional Release in Canada**, Abingdon, Public Safety of Canada.
13. West T (1994), **Women Literacy and Imprisonment Paper to be presented at the International Council for Adult Education Fifth World Assembly**, Toronto, International Council for Adult.